

گِل و گِل

تهیه و تنظیم : غزاله صالحی

۱) شبی در محفلی با آه و سوزی

شنیدستم که مرد پاره دوزی

(من) شبی در محفلی با آه و سوزی شنیدستم که
نهاد پنهان قید زمان متمم گروه متمم

۲) چنین می گفت با پیر عجوزی

گلی خوشبوی در حمام روزی

مرد پاره دوزی با پیر عجوزی چنین می گفت :
گروه نهاد گروه متمم قید

رسید از دست محبوبی به دستم

روزی گلی خوشبوی در حمام از دست محبوبی به دستم رسید
قید زمان گروه نهاد متمم گروه متمم متمم

چه چیزی را می گفت ؟ گروه مفعول



همه گل های عالم آزمودم

ندیدم چون تو و عبرت نمودم

(من) همه گل های عالم (را) آزمودم / (من) چون تو ندیدم و (من) عبرت نمودم
نهاد پنهان گروه مفعول متمم نهاد پنهان

چو گل بشنید این گفت و شنودم

بگفتا من گلی ناچیز بودم

ولیکن مدتی با گل نشستم

چو گل این گفت و شنود من را شنید / بگفتا / من گلی ناچیز بودم / ولیکن (من) مدتی با گل نشستم

نهاد گروه مفعول

نهاد گروه مسند

نهاد پنهان

قید

متمم

چه چیزی را بگفت؟

گروه مفعول



گل اندر زیر پا گسترده پر کرد مرا با همنشینی مفتخر کرد

گل اندر زیر پا ، پر گسترده کرد / (او) من را با همنشینی مفتخر کرد

نهاد گروه متمم مفعول نهاد پنهان مفعول متمم

چو عمرم مدتی با گل گذر کرد کمال همنشین در من اثر کرد
و گرنه من همان خاکم که هستم

چو عمر من مدتی با گل گذر کرد / کمال همنشین در من اثر کرد / و / اگر نه / من همان خاک هستم / که / هستم (۵ جمله)



لغات و مفاهیم :

گل : منظور گل سرشوی است که در گذشته به جای شامپو برای شستن سر به کار می رفت
محفل : مجلس

پاره دوز : پینه دوز ، کسی که لباس و کفش پاره را می دوزد
پیر عجوز : پیر ناتوان
حریر : پارچه ابریشمی نازک

معطر : خوشبو
هخ : عطر - عطار

دلپذیر : خواستنی ، دوست داشتنی

مُشک : ماده ای خوشبو و سیاه رنگ که از نافه ی آهوی ختنی به دست می آید و در قدیم برای برآق و خوشبو کردن موها به کار می رفت

عَبیر : ماده ای خوشبو که از ترکیب گلاب و زعفران و ساخته می شود

دلاویز : خوش ، دل خواه
مست : مدهوش ، از خود بی خود شده

آزمودم : آزمایش کردم ، امتحان کردم
هخ : آزمون - آزمایش - آزمودن

عبرت نمودم : تعجب کردم ، شگفت زده شدم

ناچیز : بی ارزش ، بی مقدار

مفتخر : سربلند ، سرافراز

کمال : کامل بودن

هخ : فاخر - فخر - مفاخر

هخ : کامل - تکمیل - مکمل



بیشتر بدانیم :

ملک الشعرای بهار :

« محمد تقی بهار » ملقب به ملک الشعرای بهار شاعر، نویسنده، مترجم، مورخ، سیاستمدار و روزنامه نگار ایرانی است. مقدمات و ادبیات فارسی را نزد پدر خود ملک الشعرای صبوری آموخت. وی شش دوره نماینده مجلس شد و سال ها استاد دوره دکتری ادبیات دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات بود. به دلیل پیوستن به مشروطه طلبان بارها زندانی و تبعید شد و روزنامه اش را توقیف کردند.

معروف ترین آثار او عبارتند از :

۱- سبک شناسی (درباره سبک نوشته های منشور فارسی) در سه جلد

۲- تاریخ احزاب سیاسی

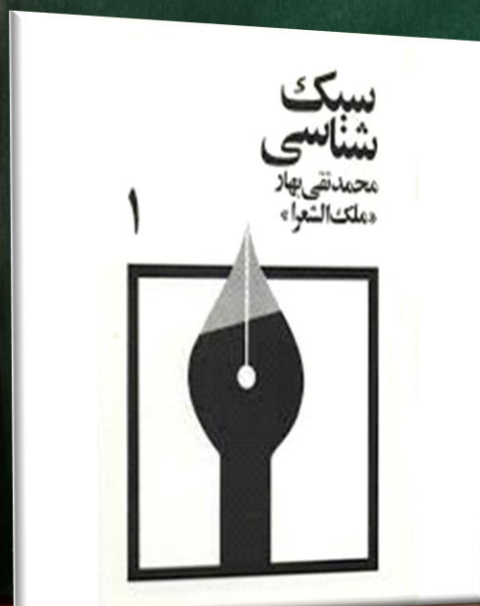
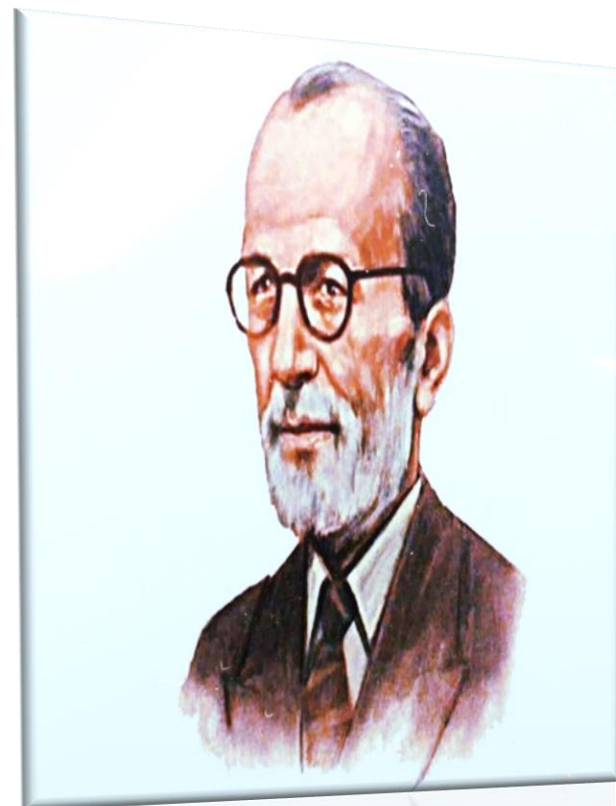
۳- تصحیح تاریخ سیستان

۴- تصحیح « مجمل التواریخ و القصص »

۵- تصحیح تاریخ بلعمی

۶- دیوان اشعار

۷- مجله نو بهار و تازه بهار



مُسمَط:

قالب شعری است که از چندین بخش تشکیل می شود

به این صورت که در هر بخش تمامی مصراع ها به غیر از مصراع پایانی آن ، هم قافیه اند.

در مسمط هر بخش را رشته می گویند و مصرع پایانی هر رشته بند نام دارد. زیبایی مسمط در آن است که مصراع پایانی بخش اول(بند اول) با مصراع پایانی بخش های دیگر هم قافیه است.

بنیان گذار مسمط **منوچهری دامغانی** شاعر قرن پنجم است و پس از او **قآنی** شاعر عهد قاجار هم به مسمط نگاه ویژه ای داشته و بی شک این دو بهترین مسمط سرایان شعر فارسی هستند.

موضوع مسمط معمولا وصف بهار و زیبایی های آن است ولی مسمط هایی با موضوعات سیاسی ، تغزل ، مدح و..... نیز سروده شده است.

* قالب شعر گل و گل ، مسمط تضمینی است به این دلیل که ملک الشعرا ی بهار ، ابیات شعر سعدی را در شعر خود آورده است و اصطلاحا آرایه تضمین به کار برده است .

نمودار قافیه در قالب مسمط:

